

اعجاز رنگ‌ها در قرآن

حجت‌الاسلام دکتر مهدی رستم‌نژاد*
عضو هیئت علمی جامعه المصطفی سیدنا محمد و آله العالمیه
مهدی نوید*

کارشناس ارشد علوم قرآنی و حدیث دانشگاه علوم اسلامی رضوی

چکیده

قرآن کریم از جنبه‌های گوناگون معجزه است و اعجاز علمی یکی از این ابعاد می‌باشد. در این میان «اعجاز رنگ‌ها» موضوعی است که کم‌تر مورد توجه و بحث قرار گرفته است؛ در حالی که با اثبات آن، گوشه‌ای دیگر از اعجاز علمی قرآن روشن می‌شود. این مقاله در پی اثبات این ادعا است که خداوند در بسیاری از آیه‌های مربوط به رنگ‌ها، به آثار روانی رنگ بر شخصیت انسان اشاره کرده است. نویسنده پس از بیان جایگاه و ضرورت موضوع، آیه‌هایی را که واژه «الوان» و «لون» در آن‌ها به کار رفته است می‌آورد، سپس جداگانه رنگ‌های زرد، قرمز، آبی، سبز، سفید و سیاه را در قرآن بررسی می‌کند و توضیح می‌دهد که قرآن از یک رنگ معنوی، و رای همه رنگ‌ها، نام برده است که «رنگ خدایی و توحید» و بهترین رنگ‌هاست. آیات مربوط به رنگ‌ها، گاه اعجاز علمی‌اند و در مواردی شگفتی‌ها علمی قرآن به شمار می‌آیند؛ ضمن این که اختلاف رنگ در جهان آفرینش، هم نشانه توحید ربوبی است و هم می‌تواند نشانه حکمت الهی باشد.

واژه‌های اصلی: قرآن، اعجاز، اعجاز علمی، اعجاز رنگ‌ها، رنگ.

اعجاز علمی یکی از ابعاد گوناگون اعجاز قرآن است که از جنبه‌های متفاوتی قابل بررسی است. یکی از شگفتی‌های مطرح شده در قرآن، مسائل مربوط به رنگ‌ها است که در مورد برخی از آن‌ها ادعای اعجاز شده است؛ چون قرآن شاید برای اولین بار به برخی آثار رنگ‌ها اشاره کرده است و بشر تا زمان نزول قرآن، به آن‌ها پی نبرده بود. با اثبات اعجاز علمی در پدیده «رنگ‌ها» می‌توان پرده از روی یکی دیگر از ابعاد اعجاز علمی این کتاب آسمانی برداشت.

مفهوم‌شناسی رنگ

رنگ یک انعکاس مرئی است که در اثر عبور یا انتشار یا بازتاب ترکیب رنگ‌ها توسط اشیاء به وجود می‌آید (بلوردی، رنگ‌ها و پیام‌ها در قرآن، نشریه مشکات). از دیدگاه علمی ثابت شده که همه رنگ‌ها از تشعشع‌های نور خورشید است و هر شیء به میزان شفافیت و خاصیت جذب پرتوها، بعضی پرتوها را جذب می‌کند و برخی را باز می‌تاباند، در نتیجه آن شیء را به رنگ پرتوهای بازتاب شده می‌بینیم. از سوی دیگر این پرتوها با ترکیب شدن، نورهای دیگری را می‌سازند که بریافته‌های مخروطی شکل اعصاب چشمی اثر می‌گذارد و سبب دیدن آن نور می‌شود. وقتی جسمی همه نورها را بازتاباند، سفید و زمانی که همه نورها را جذب کند، سیاه دیده می‌شود. چشم انسان نسبت به آن دسته از امواج که طول موجشان بین ۴۰۰ تا ۷۰۰ میکرون است، حساسیت دارد. بخش دیدنی طیف نور سفید دقیقاً از ۳۸۰ تا ۷۷۰ نانومتر است. امواج فراسوی بنفش طول موجی کم‌تر از ۳۸۰ و امواج مادون قرمز، بیش‌تر از ۷۷۰ نانومتر (هر نانومتر یک میلیونیم میلی‌متر است) دارند (آیت‌اللهی، رنگ در قرآن، فصل نامه دانشور، ش ۲۱، س ششم، ص ۱ و ۲).

نیوتن در سال ۱۶۶۶م کشف کرد که همه رنگ‌های طیف نوری در نور سفید موجودند. (پائولین، رنگ‌ها و تأثیرات درمانیشان، ص ۱۵). نور سفید از ترکیب همه امواج نوری تشکیل می‌شود؛ ولی وقتی آن را با یک منشور به طول موج‌های مختلف می‌شکنیم، کوتاه‌ترین موج در ورای تجزیه بنفش و امواج بلندتر در

ورای تجزیه، قرمز می‌باشد. طول موج‌هایی که در وسط این دو حد قرار می‌گیرد، باعث درک ما نسبت به رنگ آبی، سبز و زرد می‌شوند. به این رنگ‌ها و رنگ‌های دیگر که از ترکیب آن‌ها به دست می‌آید، لون (Hue، رنگ) گفته می‌شود (نرمال، اصول روان‌شناسی، ج ۲، ص ۳۴۱).

رنگ سفید از آمیزش همه طول موج‌ها به دست می‌آید. رنگ به ادراک ما از دنیا نه تنها جلوه با شکوهی می‌دهد؛ بلکه آگاهی‌های بیشتری درباره آن در اختیار ما می‌گذارد. چشم دارای قدرت ترکیب‌کننده رنگ است و رنگ‌ها را با تغییر دادن نسبت فعالیت عصبی در این سه نوع گیرنده، ترکیب می‌کند و گیرنده‌های چشم به قرمز، سبز و آبی حساس‌ترند (وین روان‌شناسی عمومی، ص ۷۵).

حاصل سخن این که رنگ، تأثیر فیزیولوژی بر شبکه چشم است، گاهی نتیجه ماده رنگی است و گاهی در اثر شعاع نور رنگی می‌باشد و جذب نشدن یکی از طول موج‌های متفاوت طیف، و دفع آن توسط جسم، رنگ اشیا را می‌سازد و تحریک سلول‌های عصبی چشم نسبت به رنگ‌های مختلف متفاوت است (همو، ص ۲).

تاریخچه

دانش‌های گوناگونی از جمله، فیزیک، شیمی، روان‌شناسی، طب و هنر، متصدی بررسی مسأله رنگ‌ها شده و هر کدام از یک جنبه درباره رنگ‌ها بحث کرده‌اند و کتاب‌هایی هم درباره تأثیرهای روانی رنگ‌ها بر انسان و درمان با رنگ‌ها نوشته شده است، مانند کتاب «روان‌شناسی رنگ‌ها از دکتر ماکی، ترجمه ویدا اُبی‌زاده» و کتاب «رنگ‌ها و تأثیرات درمانی شان از پائولین ویلز، ترجمه مینا اعظامی». در عرصه «رنگ در قرآن مجید» نیز کتاب‌ها و مقالاتی نوشته شده است، مانند کتاب «الاعجاز اللونی فی القرآن الکریم». دکتر شهید رضا پاک‌نژاد در کتاب «اولین دانشگاه و آخرین پیامبر» که رساله دکترای اوست، در چند مورد ادعای اعجاز می‌کند؛ از جمله در ذیل آیه «۶۹ سوره نحل» که قدرت شفا دهنده‌گی عسل را مربوط به رنگارنگ بودن مواد اولیه عسل می‌داند و این را اعجاز قرآن می‌شمارد. وی در ذیل آیات ۲۸ سوره فاطر و سوره ۶۹ بقره نیز معجزه‌های مربوط به رنگ‌شناسی قرآن را می‌آورد. بحث مفصلی هم در جلد

سوم راجع به تأثیرهای روانی رنگ‌ها دارد و متذکر می‌شود که بقراط حکیم گفتاری راجع به رنگ‌ها دارد (پاک‌نژاد، اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ج ۵، ص ۱۵۴). در قرن یازدهم میلادی پزشک ایرانی، بوعلی سینا، در کتاب قانون با اشاره به کاربرد درمانی رنگ‌ها، بار دیگر بحث رنگ درمانی را زنده کرد. از جمله می‌گوید: رنگ قرمز فشار خون را بالا می‌برد و رنگ آبی آن را پایین می‌آورد و رنگ زرد التهاب و درد را کاهش می‌دهد (پائولین، همان، ص ۱۵). یاد آوری این نکته لازم است که پس از جست‌وجوی فراوان در کتاب قانون بوعلی، به منبع اصلی این نکته دست نیافتیم.

مقاله بیست و سه صفحه‌ای «الألوان فی القرآن رؤیة فنیة و مدلول» از دکتر اشرف فتحی عبدالعزیز استادیار دانشگاه قنات سوئیس در سایت موسوعة الاعجاز العلمی فی القرآن هم از جمله کارها در حوزه اعجاز رنگ‌هاست. وی تمام آیات مربوط به رنگ‌ها را بررسی می‌کند و اشاره‌هایی به اعجاز عددی رنگ‌ها دارد. برخی دیگر از مقاله‌ها عبارت‌اند از:

«رنگ در قرآن» از احمد محمودی در مجله بینات؛ «نگاهی به مقوله رنگ در قرآن» از سید محمد جواد صداقت کشفی، در پایگاه اینترنتی مرکز فرهنگ و معارف قرآن؛ «رنگ‌ها و پیام‌ها در قرآن» نوشته طیبه بلوردی؛ کتاب «هنر چیست؟» و مقاله «رنگ در قرآن» نوشته دکتر «حبیب الله آیت اللهی» با کمک حکیمه گوهریان، چاپ شده در نشریه علمی پژوهشی دانشوردانشگاه شاهد تهران (ش ۲۱، س ششم).

بیشتر کارهای انجام شده تنها درباره اصل رنگ در قرآن است و درباره معجزه بودن آن کمتر کار شده است؛ حتی مقالاتی که عنوان «اعجاز رنگ‌ها» را دارند، تنها به عنوان یک شگفتی از آن یاد کرده‌اند و در پی اثبات و ادعای اعجاز علمی به معنایی که ما بیان کردیم، نبوده‌اند؛ لذا جا دارد این کمبود جبران شود.

رنگ در قرآن

مجموع الفاظ قرآنی که بر رنگ‌ها دلالت دارند، سی و پنج ۳۵ کلمه‌اند (اشرف فتحی، الألوان فی القرآن، موسوعة الاعجاز العلمی فی القرآن و السنّة، ص ۲۰ (www.55a.net)).

قرآن از رنگ‌های قرمز، زرد، سبز، آبی، سفید و سیاه یاد می‌کند. علاوه بر آن، رنگ معنوی (رنگ خدایی) هم در قرآن آمده است.

قرآن در بسیاری از آیه‌ها عنوان کلی رنگ (الوان) را به کار می‌برد و در مواردی از رنگ‌های گوناگون یاد می‌کند، بنابراین آیات در برگیرنده رنگ را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد:

۱. آیاتی که از واژه «لون» یا «الوان» یا «صبغه» استفاده کرده‌اند.

۲. آیاتی که از رنگ‌های مختلف استفاده برده‌اند.

ابتدا به بررسی کلی آیاتی که از عنوان کلی رنگ بهره برده‌اند، می‌پردازیم.

واژه «لون» و جمع آن «الوان» به معنی رنگ‌ها، نه مرتبه، در هفت آیه ذکر شده است؛ هفت مورد به صورت جمع و دو مورد به صورت مفرد؛ اما واژه «صبغه» دو مرتبه و در آیه ۱۲۸ سوره بقره آمده است.

آیاتی مشتمل بر واژه‌های «الوان»، «لون» و «صبغه»:

۱. «قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا لَوْثُهَا قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ صَفْرَاءُ فَاقِعٌ لَوْثُهَا تَسْرُّ النَّاطِرِينَ» (بقره/۶۹)؛ «گفتند: «برای ما از پروردگارت بخواه تا روشن بیان کند برایمان که رنگ آن (گاو) چگونه است؟» (موسی) گفت که او می‌گوید: در حقیقت آن گاوی زرد است که رنگش یک دست است که بینندگان را شاد می‌سازد».

۲. «وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافُ أَلْوَانِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْعَالَمِينَ» (روم/۲۲)؛ «و از نشانه‌های او آفرینش آسمان‌ها و زمین و تفاوت زبان‌های آنان و رنگ‌های شماس است. قطعاً، در آن [ها] نشانه‌هایی برای دانایان است».

۳. «وَمَا ذَرَأَ لَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (نحل/۱۳)؛ «و آنچه را در زمین برای شما، با رنگ‌های متفاوتش، آفرید و منتشر کرد (مسخر شما ساخت)، قطعاً، در آن [ها] نشانه‌ای است برای گروهی که متذکر می‌شوند».

۴. «ثُمَّ كَلِمَةٌ كَلِمَةٌ مِّن كُلِّ الثَّمَرَاتِ فَاسْأَلْكَ سِبْطَ رَبِّكَ ذُلًّا يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُّخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِّلنَّاسِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (نحل/۶۹)؛ «سپس از همه‌ی محصولات بخور و راه‌های پروردگارت را فروتنانه بیما.» از شکم‌هایشان نوشیدنی (= عسل) بیرون می‌آید که رنگ‌هایش متفاوت است [و] در آن برای مردم درمانی است؛ قطعاً در آن [ها] نشانه‌ای است برای گروهی که تفکر می‌کنند».

۵. «أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ ثَمَرَاتٍ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهَا وَمِنَ الْجِبَالِ جُدَدٌ بَيضٌ وَحُمْرٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهَا وَغَرَابِيبُ سُودٌ» (فاطر/۲۷)؛ «آیا نظر نکرده‌ای که خدا از آسمان، آبی فرو فرستاد، به وسیله‌ی آن محصولات‌ی که رنگ‌هایش متفاوت است (از زمین) خارج ساختیم و از کوه‌ها راه‌ها (و رگه‌ها) ی سپید و سرخ، که رنگ‌هایش متفاوت است و سیاه سیاه (آفریدیم)؟!».

۶. «وَمِنَ النَّاسِ وَالْدَّوَابِّ وَالْأَنْعَامِ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ كَذَلِكَ إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ» (زمر/۲۱)؛ «و از مردم و جنبنندگان و دام‌ها (انواعی هستند) که رنگ‌هایشان همان‌گونه متفاوت است. از میان بندگان خدا، فقط دانشوران از او هراس دارند؛ [چرا] که خدا شکست‌ناپذیری بسیار آمرزنده است».

۷. «أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَلَكَهُ يَنَابِيعٌ فِي الْأَرْضِ ثُمَّ يُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ...» (زمر / ۲۱)؛ «آیا نظر نکرده‌ای که خدا از آسمان آبی فرو فرستاد و آن را به چشمه‌هایی که در زمین است وارد نمود، سپس به وسیله‌ی آن زراعتی را با رنگ‌های متفاوتش بیرون می‌آورد».

۸. «صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَنَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ» (بقره / ۱۳۸)؛ «رنگ (و نگار) خدایی (بپذیرید)؛ و خوش رنگ (و نگار) تر از خدا کیست؟ و ما تنها پرستش‌کنندگان اویم». راجع به اعجاز عددی مربوط به بحث رنگ‌ها، ادعا شده است که واژه «الوان» هفت بار به صورت جمع [۱] در قرآن به کار رفته است که شاید اشاره به طیف‌های هفت‌گانه نور سفید باشد و احتمال دارد حکمت ذکر هفت مرتبه واژه الوان از این جهت باشد که نور سفید شامل هفت رنگ درک‌پذیر با حس بینایی انسان است که پس از برخورد نور با منشور، و شکست نور این الوان هفت گانه به چشم می‌خورد (ر.ک. به: دکتر فتحی عبدالعزیز الوان فی القرآن، ص ۴). این ادعا خدشه‌پذیر است؛ چون نمی‌توان ادعای قطعی کرد که بین عدد هفت آیه‌ها با طیف‌های هفت‌گانه نور رابطه‌ای هست.

اول) بررسی آیات گروه اول

۱. «وَمِنْ آيَاتِهِ خُلِقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافُ أَلْوَانِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْعَالَمِينَ» (روم / ۲۲)؛ «و از نشانه‌های او آفرینش آسمان‌ها و زمین و تفاوت زبان‌هایشان و رنگ‌های شماسست. قطعاً، در آن [ها] نشانه‌هایی برای دانایان است».

رنگ‌شناسی از راه‌های خداشناسی است (در این نشانه‌هایی برای دانایان است). وقتی انسان به اختلاف رنگ‌ها بیشتر دقت می‌کند، قدرت خدا را بهتر درک می‌کند. فخر رازی می‌گوید:

شناسایی انسان نسبت به انسان دیگر یا باید با چشم باشد یا گوش و خدا برای تشخیص گوش، اختلاف آوازه‌ها و آهنگ‌های صدا، و برای تشخیص چشم، رنگ‌ها و صورت‌ها و شکل‌های مختلف را آفریده است؛ به گونه‌ای که در تمام دنیا نمی‌توان دو انسان را پیدا کرد که از نظر چهره و آهنگ صدا از تمام جهت‌ها یکسان باشند! (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۶، ص ۳۹۵).
 علامه طباطبایی در المیزان فی تفسیر القرآن می‌فرماید:

«ظاهر این است که مراد از اختلاف الوان، اختلاف امت‌ها در رنگ‌های مختلف است، مثل سفید و سیاه و زرد و قرمز و ممکن است مراد از تفاوت رنگ‌ها تفاوت هر فردی با دیگر افراد، به حسب رنگ پوستش باشد» (طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۱۶، ص ۱۶۷).

تفاوت رنگ پوست انسان‌ها مربوط به میزان «ملانین» در پوست انسان است (محمودی، احمد، پیشین، ص ۸). رنگ پوست حیوان‌ها و انسان‌ها به سازش آن‌ها با نور آفتاب و آب و هوای محیط خود بستگی دارد. میزان تیره یا روشن بودن پوست، میزان نیاز بدن را به اشعه ماورای بنفش نشان می‌دهد. تأثیر نور آفتاب باعث تحریک رنگ دانه ملانین در پوست و تولید ویتامین D می‌شود. پوست با تغییر رنگ، میزان ویتامین D بدن را متعادل می‌کند (بن بوا، زیبایی نور، ص ۹۱).

بررسی

طبق یک تفسیر که الوان به معنای «رنگ‌های پوست انسان‌ها» باشد، آیه یکی از نشانه‌های وجود خالق هستی را ذکر می‌کند؛ این که خداوند برای شناسایی افراد، این گونه قرار داده است تا مردم هم‌دیگر را بهتر تشخیص دهند.
 به نظر می‌رسد با توجه به این که در صدر و ذیل آیه به نشانه آیه - آیات ... لآیات... - بودن آفرینش زمین و آسمان و گوناگونی زبان‌ها و رنگ‌های انسان‌ها اشاره شده است؛ به خصوص این که خداوند در ذیل آیه فرمود: «إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّلْعَالَمِينَ»، شاید با دقت بیشتر بتوان به اسراری پی برد که خداوند آن را به عنوان «آیه» مطرح کرده است.

۲. ﴿وَمَا ذَرَأَ لَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَةً لِّقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ﴾ (نحل / ۱۳)؛ «و آنچه را در زمین برای شما، با رنگ‌های متفاوتش آفرید و منتشر کرد (مسخر شما ساخت)، به قطع، نشانه‌ای در آن [ها] برای گروهی که متذکر می‌شوند، هست».

قرآن مجید رنگ‌ها را محدود به گل‌ها، میوه‌ها، عسل و انسان‌ها نمی‌داند؛ بنابر این در آیه می‌فرماید آنچه را برای شما آفرید، به انواع گوناگون و رنگارنگ (مراد از الوان در آیه همان رنگ‌ها است و نیز ممکن است به معنای انواع باشد) درآورد. نقاش چیره دست هستی، پدیده‌ها را متناسب با روح و روان آدمی نقاشی کرد، لذا تنوع رنگ‌ها انسان‌ها را از کسالت بیرون می‌آورد و فضایی دل‌پذیر را برای زندگی فراهم می‌سازد. به راستی اگر تمام دنیا یک رنگ بود، چه می‌شد؟ دانستن تأثیر روان‌شناختی رنگ‌ها بر انسان، فهم این دسته از آیات را آسان‌تر می‌سازد. به نظر می‌رسد این که در پایان آیه فرمود «گوناگونی رنگ‌ها نشانه‌ای است برای کسانی که اهل تذکر و تفکر و یادآوری و تدبیرند»، به اجمال اشاره‌ای به اعجاز رنگ‌ها در قرآن باشد که می‌تواند دانشمندان را به سمت تحقیق گسترده‌تر پیرامون آثار رنگ‌ها رهنمون شود؛ البته بهتر است این آیه را جزء اشارات علمی قرآن بگیریم. علامه طباطبایی با توجه به مفرد بودن «آیه» در آخر این آیه، استفاده کرده است که آیه بر توحید ربوبی دلالت می‌کند (طباطبایی، همان، ج ۱۲، ص ۲۱۵).

۳. ﴿ثُمَّ كُلِي مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ فَاسْلُكِي سُبُلَ رَبِّكِ ذُلُلًا يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾ (نحل / ۶۹)؛ «سپس از همه‌ی محصولات بخور و راه‌های پروردگارت را فروتنانه بیما». از شکم‌هایشان نوشیدنی (= عسل) بیرون می‌آید که رنگ‌هایش متفاوت است [و] در آن برای مردم درمانی است؛ قطعاً، در آن [ها] نشانه‌ای است برای گروهی که تفکر می‌کنند». تنوع رنگ عسل‌ها از دیگر آیاتی است که واژه الوان را در بر می‌گیرد. در این آیه سخن از وحی به زنبور عسل است که چه مسیری را طی می‌کند و ماده‌ای رنگارنگ را تولید می‌کند که شفای برای مردم است. رنگ‌های مختلف

عسل، به رنگ‌های مختلف گل‌هایی مربوط است که زنبور از آن بهره می‌برد. چند ماده قندی رنگ گل‌ها را درست می‌کنند و چون این دو (رنگ عسل و رنگ گل‌ها) ارتباط مستقیم با هم دارند، پس هر عسل با رنگ مخصوص خود، ماده قندی ویژه‌ای دارد. فاصله‌ای که بین «شَرَاب» و ویژگی خاصیت شفادهندگی آن هست (مختلف الوانه)، از نکات زیبای قرآن است. کتاب‌های گیاه‌شناسی نیز خواص درمانی گیاهان را به عناصر قندی موجود در آن مربوط می‌دانند (پاک‌نژاد، رضا، همان، ج ۳، ص ۱۴۹ و ۱۶۹). در تفسیر المیزان آمده است:

«از شکم زنبور عسل نوشیدنی به نام عسل بیرون می‌آید که دارای رنگ‌های گوناگون، بعضی سفید، بعضی زرد، بعضی قرمز سیر و بعضی مایل به سیاهی است که برای بیشتر امراض شفاست. عسل‌ها رنگ‌های متفاوتی دارند که مربوط به تنوع موادی است که از آن‌ها استفاده می‌کنند و مناسب ذوق‌های مختلف نیز هست» (طباطبایی، همان، ذیل آیه ۶۹، سوره نحل).

شهید دکتر پاک‌نژاد در جلد پنجم کتاب اولین دانشگاه و آخرین پیامبر که مربوط به عسل است، فصلی با عنوان رنگ‌های گوناگون عسل می‌گشاید و یادآور می‌شود که رنگ عسل‌ها به رنگ گیاهانی بستگی دارد که زنبورها بر آن‌ها می‌نشینند. آن‌گاه چگونگی به وجود آمدن رنگ گل‌ها را یادآور می‌شود (پاک‌نژاد، همان، ج ۵، ص ۱۳۵). وی می‌گوید:

«این که قرآن پس از اشاره به رنگ‌های گوناگون عسل، خاصیت شفابخشی آن را ذکر فرموده، خود اعجاز به شمار رفته و رنگ‌ها در غذا و شفا و درمان رُل مهم و اساسی را دارند» (همان، ص ۱۴۵).

پس در این آیه، به خواص غذایی و شفابخشی رنگ‌ها توجه شده است. وی در جای دیگر می‌نویسد:

«به مفهوم علمی پیوند بین کلمات «شَرَابٌ مُخْتَلَفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شَفَاءٌ لِلنَّاسِ» دقت کنید. از آیه فهمیده می‌شود که در صورتی عسل شفا است که آشامیده شود، آیا رنگ مواد قندی که موجب رنگ شدن گل‌ها می‌شود، خاصیت شفا دهندگی دارد که قرآن در فاصله بین شراب (عسل) و خاصیت شفادهندگی آن جمله «مختلف الوانه» را آورده است؟ آری اگر این مطلب اعجاز آمیز ۱۵ قرنی قرآن را پذیرفتید، شما را به کتاب‌های گیاه‌شناسی طبی راهنمایی می‌کنم که بسیاری از خاصیت‌های گیاهی مربوط به عناصر قندی موجود در گیاه است؛ همان عناصر قندی که باعث رنگین شدن گل‌ها می‌گردد» (همو، ص ۱۴۹).

آن‌گاه از کتاب «دکتر رنگ را تجویز می‌کند» مطالب فراوانی راجع به تأثیر رنگ‌ها نقل می‌کند. به نظر می‌رسد دکتر پاک‌نژاد این آیه را نوعی اعجاز علمی قرآن می‌داند که قرآن برای اولین بار پانزده قرن پیش به اثر شفا بخشی رنگ عسل اشاره کرده است.

بررسی

با توجه به این‌که ضمیر «فیه» به «شراب» برمی‌گردد و شراب باوصف «مختلف الوانه» توصیف شده است می‌توان از این آیه چنین برداشت کرد: در نوشیدنی که دارای رنگ‌های مختلف است، برای مردم شفاست. آیه در این صورت به یک مطلب علمی اشاره دارد؛ این‌که رنگ‌ها می‌تواند نقش تعیین کننده‌ای در درمان بیماری‌ها داشته باشند. بنابراین اگر بپذیریم که قرآن درمان با رنگ را برای اولین بار مطرح کرده است، می‌توان گفت این آیه از آیات مربوط به اعجاز علمی قرآن در رابطه با رنگ‌هاست.

کتاب‌های فراوانی درباره رنگ درمانی نوشته شده است، از جمله کتاب «رنگ‌ها و تأثیرات درمانی‌شان» از «پائولین ویلز» ترجمه مینا اعظامی. نویسنده تاریخچه درمان با رنگ را نیز آورده و بوعلی‌سینا را احیاگر رنگ درمانی در قرن یازده میلادی معرفی می‌کند (پائولین ویلز، همان، ص ۱۵).

﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ ثَمَرَاتٍ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهَا وَمِنَ الْجِبَالِ جُدَدٌ بَيْضٌ وَحُمْرٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهَا وَعَرَايِبُ سُودٌ وَمِنَ النَّاسِ وَالْأَنْعَامِ وَالْأَنْعَامِ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ كَذَلِكَ إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ﴾ (فاطر/۲۷ و ۲۸)؛ «آیا نظر نکرده‌ای که خدا از آسمان، آبی فرو فرستاد، به وسیله‌ی آن محصولاتِ که رنگ‌هایش متفاوت است (از زمین) خارج ساختیم و از کوه‌ها راه‌ها (و رگه‌ها) ی سپید و سرخ، که رنگ‌هایش متفاوت است و سیاه سیاه (آفریدیم)؟! و از مردم و جنبنندگان و دام‌ها (انواعی هستند) که رنگ‌هایشان همان‌گونه متفاوت است. از میان بندگان خدا، فقط دانشوران از او هراس دارند؛ [چرا] که خدا شکست ناپذیری بسیار آمرزنده است». در این آیه نیز از موضوع رنگ سخن به میان آمده و برخی رنگ‌ها ذکر شده است. در این جا نیز سخن از اختلاف الوان است که

سرانجام سبب معرفت - به خصوص برای دانشمندان خداترس - می‌شود؛ البته تفسیرهای مختلفی در باره اختلاف رنگ‌ها شده است از جمله اینکه مقصود، نعمت‌های مختلف با رنگ‌های گوناگون است یا اختلاف در نوع رنگ‌ها، اعم از طعم و ساختمان و خواص گوناگون آن‌ها، است؛ هرچند که ظاهر واژه الوان همان رنگ‌ها است.

رنگ‌های مختلف کوه‌ها نیز بر قدرت خداوند گواهی می‌دهد و علاوه بر زیبایی، وسیله‌ای برای پیدا کردن راه‌ها در پیچ و خم‌های کوهستان است. این رنگ‌ها که در آیه بیان شده، بیض، حُمَر، غرابیب و سود می‌باشد. «بیض» جمع آبیض، به معنای سفید، «حُمَر» جمع أحمَر، به معنای قرمز، «غرابیب» جمع غریب، به معنای سیاه پررنگ، و «سود» جمع أسود، به معنای سیاه است. پشت سرهم قرار گرفتن غرابیب و سود تأکیدی بر سیاهی شدید بعضی از جاده‌های کوهستانی است (مکارم شیرازی، همان، ج ۱۸، ص ۲۳۴).

درباره اختلاف تفسیر در مورد اختلاف الوان، نویسنده المیزان، به دلیل وجود رنگ‌های بیض (سفید) و حمر (قرمز) در بحث کوه‌ها، اختلاف رنگ‌های ظاهری را تأیید می‌کند؛ نه تفاوت طعم و خاصیت و نوع آن‌ها را که ممکن است در میوه‌ها مراد باشد (در کوه‌ها اختلاف انواع نیست و تنها اختلاف الوان است) (طباطبایی، همان، ج ۱۷، ص ۵۸).

«آغاز آیه سخن از نزول باران است و به دنبال آن ابتدا به رنگ‌های نباتات و بعد جمادات و آن‌گاه انسان و جنبندگان اشاره می‌شود و ما می‌دانیم رابطه نباتات با آب باران و رنگ‌ها بیشتر از جمادات و جمادات بیشتر از انسان و جنبندگان و انعام (چهارپایان) است، بدین معنا که با نزول باران که در هر عمل شیمیایی وجود آب لازم است، گیاهان رابطه رنگی فتوسنتزی کلروفیلی داشته و جمادات با عوالم شیمیایی رنگین شده و حیوانات و انسان نیز با اعمال شیمیایی مخصوص رنگدانه‌های خود را می‌سازند» (پاک‌نژاد، همان، ج ۵، ص ۱۶۹).

ظاهراً مراد از اختلاف رنگ میوه‌ها، تفاوت خود رنگ‌ها است، ولی لازم‌اش اختلاف‌های دیگری از جهت طعم، بو و خاصیت نیز می‌باشد. بعضی مفسران گفته‌اند: اصلاً منظور از اختلاف الوان، اختلاف انواع موجودهاست؛ چون بسیار

می‌شود که واژه الوان بر انواع میوه‌ها و طعام‌ها اطلاق می‌شود، پس در حقیقت تعبیر به «الوان»، کنایی است؛ ولی جمله «ومن الجبال جُدَدٌ بَیضٌ وَحُمْرٌ مُخْتَلَفٌ الوانه» تا اندازه‌ای وجه اوّل را تأیید می‌کند که مراد خود رنگ‌ها باشد؛ نه طعم و خاصیت (طباطبایی، همان، ترجمه، ج ۱۷، ص ۵۷)، زیرا همان گونه که گفته شد در کوه‌ها اختلاف رنگ‌ها و نیز چند رنگ مشخص نام برده شده است.

واژه «جُدَدٌ» جمع جُدّه، به معنای جاده و راه است و دو واژه بیض و حُمَر، جمع ابيض و أحمر، به معنای سفید و سرخ است. ظاهراً واژه مختلف، صفت جدد و ألوانها، فاعل «مختلف» است؛ زیرا اگر جمله مبتدا و خبر بود می‌فرمود: «مختلفة الوانها» (ألوسی، تفسیر روح‌المعانی، ج ۲۲، ص ۱۸۹) و واژه غرایب، جمع غریب (سیاهی شدید) است و غراب را به همین جهت غراب (کلاغ سیاه) می‌گویند. واژه سود بدل یا عطف بیان برای غرایب است و معنای آیه چنین است: آیا نمی‌بینی که در بعضی از کوه‌ها راه‌های سفید و سرخ و سیاه و با رنگ‌های مختلف هست؟ مراد از این راه‌ها یا راه‌هایی است که در کوه‌ها قرار دارد و رنگارنگ است یا مراد خود کوه‌هاست که به صورت خطوطی کشیده شده، روی کره زمین قرار دارد، بعضی از این سلسله جبال به رنگ سفید، بعضی سیاه، بعضی چند رنگی اند (همو).

آنچه ما در طبیعت می‌بینیم رگه‌های رنگی از جنس خود کوه‌هاست و به صورت سنگ‌های زیتنی سفید، سیاه، سرخ و دیگر رنگ‌ها در معماری ساختمان به کار می‌رود؛ بنابراین جُدَد در آیه شریفه نمی‌تواند تنها به معنای راه‌ها یا رشته کوه‌ها باشد و مراد رگه‌های رنگی کوه‌ها نیز می‌باشد.

در تأیید این تفسیر که مراد از رنگ کوه‌ها در آیه، همین رنگ‌های ظاهری است، می‌توان به آیه ۵ سوره واقعه: «وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ» (و کوه‌ها کاملاً خرد می‌شوند!) اشاره کرده تشبیه به پشم رنگین حلاجی شده، ارتباط کامل با رگه‌های رنگارنگ کوه‌ها دارد و رنگین بودن پشم که کوه‌ها در قیامت، چنان خواهند شد، به خاطر این است که اکنون نیز برخی قسمت‌های کوه‌ها رنگین می‌باشد.

با این که کوه‌ها رنگ‌های دیگری غیر از سفید و سیاه پررنگ و قرمز دارند، خداوند در این آیه رنگ‌های دیگر را به صورت «مختلف الوانها» آورده و نام نبرده است. در این آیه جمله «مختلف الوانها» بعد از «حُمَر» آمده است. گویا در این مطلب اشاره‌ای است به این که رنگ کوه‌ها درجه و ترکیب‌های مختلفی از رنگ قرمز است (فتحی، الوان فی القرآن، ص ۱۴)؛ یعنی امکان دارد رنگ سفید به بقیه رنگ‌ها تبدیل شود؛ نه این که نور سفید در اثر شکست نور، به انواع رنگ‌ها تبدیل گردد؛ بلکه مراد ما این است که معادنی که به رنگ سفیدند، می‌توانند اصل و مصدر سایر رنگ‌ها باشند و خود سنگ‌ها و صخره‌ها نیز به مرور در اثر اکسید شدن و سایر فعالیت‌ها و تغییرهای شیمیایی تغییر رنگ می‌دهند (همو، ص ۱۵).

سنگ‌هایی مانند گرانیت از ابتدا قرمزند، سنگ بازالت هم سیاه است و این سنگ‌ها را نمی‌توان به رنگ‌های دیگر تجزیه کرد؛ نه با حرارت و نه با چیز دیگری؛ اما برخی سنگ‌ها مثل سنگ‌هایی که از کربونات کلسیم تشکیل یافته‌اند، سفیدند و در اثر حرارت و اکسید شدن، به قرمز تبدیل می‌شوند و قرمز در ترکیب اصلی همه رنگ‌ها هست (همو، ص ۱۶).

خلاصه این که دکتر فتحی عبدالعزیز، «اختلاف الوان» را که بعد از «حمر» ذکر شده است، به اختلاف رنگ‌های قرمز مربوط می‌داند و مختلف را صفت حُمَر می‌گیرد؛ در حالیکه طبق تفسیری که گفته شد، صفت «جدد» می‌باشد. آن‌گاه ایشان طبق تفسیرش نتیجه می‌گیرد که سایر رنگ‌ها از همین رنگ قرمز به دست می‌آید و قرمز اصل برای رنگ‌های دیگر است و آن را با برخی فرضیه‌های علمی اثبات می‌کند (همو، ص ۱۷ و ۱۶). دکتر پاک‌نژاد نیز آیه ۲۸ سوره فاطر (اختلاف رنگ‌های کوه‌ها) را معجزه قرآن می‌داند (پاک‌نژاد، همان، ج ۵، ص ۱۶۹).

بررسی

در این قسمت از آیه که مربوط به اختلاف رنگ کوه‌ها می‌باشد، تفسیری که می‌گفت رنگ‌ها به معنای خود رنگ‌ها است؛ نه انواع، ترجیح داده می‌شود؛ به دلایلی که ذکر شد؛ اما در مورد این که مراد از اختلاف رنگ‌ها، گوناگونی رنگ‌های راه‌های کوه‌ها (جُدَد) است یا انواع گوناگون رنگ‌قرمز و درجات

مختلف این رنگ خاص، به نظر می‌رسد تفسیر دوم بهتر باشد؛ یعنی مراد درجات مختلف قرمزی کوه‌ها باشد؛ چرا که در غیر این صورت باید می‌گفت این رگه‌ها در کوه‌ها رنگ‌های گوناگون دارد؛ نه این که بگوید برخی از آن‌ها سفید، برخی قرمز و برخی رنگ‌های مختلف است. در این صورت ذکر سفید و قرمز زاید به نظر می‌رسد. شاید هم «مختلف الوانها» حکم کلی کوه‌ها نسبت به رنگ‌های مختلف را بیان می‌کند تا بگوید اگر جاده‌ها به رنگ سفید، قرمز و سیاه شدید است، به خاطر رنگارنگ بودن کوه‌هاست و گرنه رنگ‌های جاده‌ها از خودش نیست. به هر حال اگر به طور قطعی از نظر دانشمندان رنگ‌شناسی ثابت شود که رنگ‌های دیگر (غیر از سفید و سیاه) از تجزیه رنگ قرمز به دست می‌آیند و در اصل به قرمز برمی‌گردند، می‌توان گفت این آیه به یک نکته اعجاز گونه اشاره دارد و از سرّی از اسرار خلقت پرده برداشته است.

﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَلَكَهُ يَنَابِيعَ فِي الْأَرْضِ ثُمَّ يُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ ثُمَّ يَهِيَجُ قَتْرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَجْعَلُهُ حُطَامًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرًا لِأُولِي الْأَلْبَابِ﴾؛ (زمر/ ۲۱) «آیا نظر نکرده‌ای که خدا از آسمان آبی فرو فرستاد و آن را به چشمه‌هایی که در زمین است وارد نمود، سپس به وسیله‌ی آن زراعتی را با رنگ‌های متفاوتش بیرون می‌آورد؛ سپس خشک می‌گردد، پس آن را زرد می‌بینی؛ سپس آن را درهم شکسته می‌گرداند؟! قطعاً، در این (مطلب) تذکری برای خردمندان است».

هم انواع گیاهان مختلف است، هم کیفیت‌های آن‌ها و هم رنگ ظاهری‌شان؛ بعضی سبز تیره و بعضی سبز کم‌رنگ می‌باشند (مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۹، ص ۴۲۳). با قبول این دو تفسیر که در سایر آیات مربوط به رنگ‌ها نیز ذکر شده است. آیه نکته خاصی از حیث اعجاز علمی ندارد.

بررسی واژه «صبغه» در قرآن

این کلمه دو بار در یک آیه به کار رفته است.

﴿صَبِغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صَبِغَةً وَنَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ﴾ (بقره / ۱۳۸)؛ «رنگ (و نگار) خدایی (بپذیرید)؛ و خوش‌رنگ (ونگار)‌تر از خدا کیست؟ و ما تنها پرستش‌کنندگان اویم».

در مفردات راغب آمده است:

«الصبغ: المصبوغ» صبغ اسم مفعول، یعنی رنگ شده است. راغب صبغه را عامل متمایز کننده بین انسان و حیوان می‌شمارد و فطرتی الهی می‌داند (راغب اصفهانی، مفردات، ص ۴۷۵).

نویسندهٔ لسان‌العرب می‌افزاید:

«صبغة الله» به معنای دین خدا و فطرت خدایی است، و «الصبغ»، یعنی فرورفتن در چیز سیال مانند آب و به تغییر نیز صبغ گفته می‌شود. (ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان‌العرب، ج ۸، ص ۴۳۷ - ۴۳۸).

از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «اتبعوا صبغة الله»؛ یعنی از اسلام که مقتضای فطرت الهی است، پیروی کنید (طبرسی، فضل بن الحسن، مجمع‌البیان، ج ۲، ص ۷۹). در تفسیر «صبغة» مواردی هم‌چون رنگ، وحدت، عظمت، پاکی، پرهیزکاری، عدالت و مساوات، برادری و برابری، توحید، اخلاص و بالاخره رنگ بی‌رنگی و حذف همه رنگ‌ها بیان شده است (مکارم شیرازی، ناصر، نمونه، ج ۱، ص ۴۷۳). در روایات اهل سنت نیز نمونه‌هایی هست که تعبیر صبغة الله تا اندازه‌ای جنبه فیزیکی پیدا می‌کند و مادی می‌شود، مثلاً ابن ابی‌نجر در تاریخ بغداد از ابن عباس نقل می‌کند: منظور از صبغة الله رنگ سفید است (طباطبایی، همان، ج ۱۰، ص ۴۷۵). در میان مسیحیان معمول بود که نوزاد را غسل تعمید می‌دادند و گاهی ادویة مخصوصی که زرد رنگ بود، به آب می‌افزودند و می‌گفتند این غسل به ویژه با این رنگ خاص باعث تطهیر نوزاد از گناه ذاتی‌اش می‌شود که از آدم به ارث برده است (مکارم شیرازی، همان، ج ۱، ص ۴۷۳، طبرسی، فضل بن حسن، طبرسی، مجمع‌البیان، ج ۲، ص ۷۹ و ر.ک. به: رضایی اصفهانی، تفسیر مهر، ج ۱، ص ۴۱۷). قرآن خط بطلان بر این مطلب بی‌اساس می‌کشد و با تعبیری بسیار لطیف، زیبا و کنایی می‌فرماید: تنها رنگ خدایی را بپذیرید که همان رنگ ایمان، توحید خالص و اسلام است. منظور از رنگ خداوند، بی‌رنگی است که رنگ توحید و اخلاص می‌باشد و همه رنگ‌های نژادی، خرافات، نفاق و شرک در پرتو آن حذف می‌شود (رضایی اصفهانی، همان، ج ۱، ص ۴۱۷). انسان ناچار است در زندگی رنگی را بپذیرد و بهترین رنگ آن است که ارزان، چشم‌نواز، باصفا، بادوام و

زودیاب باشد؛ یعنی در هر مکان و زمانی یافت شود و رنگ خدایی این‌گونه است. هم رنگ با فطرت، و منطقی است و چشم اولیای خدا را نوازش می‌دهد و خریدار آن خدا و بهای آن بهشت است، پس از میان رنگ‌ها رنگ خدایی بهترین و زیباترین رنگ است «وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً»؛ البته تا انسان رنگ هوس‌ها، نژادها و قبیله‌ها را کنار نگذارد، نمی‌تواند رنگ وحدت، برادری و تسلیم را بپذیرد و رنگ خدایی پیدا کند (همو، ص ۴۱۸).

بررسی

قرآن کریم برای اولین بار علاوه بر رنگ‌های محسوس و مادی، یک رنگ معنوی را هم مطرح کرده است که فراتر از همه رنگ‌های مادی است و در واقع همان رنگ بی‌رنگی است. و این خود از اسرار و شگفتی‌های قرآن است؛ البته اعجاز علمی نیست، زیرا یک بحث علمی به معنای علوم تجربی شمرده نمی‌شود.

دوم) بررسی آیات گروه دوم (رنگ‌های خاص)

۱- رنگ زرد

ارزیابی دانشگاه‌های لوئیزیانا و پوردو در آمریکا نشان می‌دهد که رنگ زرد حالت ضعف و سرور را بازگو می‌کند و این همان مطلبی است که قرآن پانزده قرن قبل بیان فرمود: «صَفْرَاءُ فَاقِعٌ لَوْنُهَا تَسْرُّ النَّاطِرِينَ» (بقره/ ۶۹) «زرد اندک متمایل به پررنگی که ناظرین را به نشاط و مسرت می‌رساند» (پاک‌نژاد، همان، ج ۵، ص ۱۴۳). رنگ زرد تحریک‌کننده فکری است. بر کمبود فکری روحی مؤثر است و برخی حالات عصبی را آرام می‌کند. شاید به همین خاطر است که این رنگ برای اتاق مطالعه پیشنهاد شده است (همو، ص ۱۵۷). زرد گرم‌کننده و از رنگ‌های گرم است و آزمایش‌های روان‌شناسی ثابت کرده که زرد زیاد خوشحالی بخش است (همو). زرد باعث افزایش سوخت و ساز بدن است و چون از بقیه رنگ‌ها زودتر دیده می‌شود، به دلیل نور زیادی که منعکس می‌کند، بیشتر از بقیه رنگ‌ها برای جلب توجه استفاده می‌شود (اصغری نژاد، دنیای هنر رنگ و نقاشی، سایت Aftab، تأثیر رنگ‌ها بر رفتار انسان‌ها). در رنگ درمانی طبق آن چه از

بوعلی سینا طبیب ایرانی در کتاب قانون نقل شده است، رنگ زرد التهاب و درد را کاهش می‌دهد (پائولین ویلز، همان، ص ۱۵).

برای تحریک ذهن نیز از نور زرد استفاده می‌شود. زرد فزاینده نیرو است. زندگی در فضای زرد انسان را فعال می‌کند (با طلوع اشعه زرد خورشید انسان‌ها برای فعالیت دوباره آماده می‌شوند). در بیمارستان‌های روانی بیماران منزوی و بی‌تحرک را با قرار دادن در نور و رنگ زرد مداوا می‌کنند (آیت‌اللهی، همان، ص ۶، ش ۲۱، ص ۳). زرد یک دست آزار دهنده و اگر متغیر باشد، شادی‌آفرین است. زرد سبب بی‌خوابی، هیجان، اضطراب و تلاطم فکری می‌شود. زرد گرم‌ترین رنگ طیف خورشید است (همو، ص ۲).

رنگ طلایی که مخلوط نارنجی و زرد است، گرم و درخشان است و با عرفان، الوهیت و تقدس پیوند دارد؛ همان‌طور که گنبد‌های حرم ائمه زرد طلایی است. این رنگ برای درمان افسردگی به کار می‌رود. پزشکی آنژوپاسفیک مدعی است که رنگ طلایی گردش خون را روان‌تر می‌کند و گرمای بدن را افزایش می‌دهد، و سامانه عصبی را فعال می‌سازد (پائولین ویلز، همان، ص ۵۶). بیشتر رنگ‌شناسان معتقدند رنگ زرد، شاد و فرح بخش است (محمودی، احمد، رنگ در قرآن). رنگ زرد در قرآن کریم با واژه‌های «صفر، صفراء و مصفراً» پنج بار در آیات زیر آمده است.

۱. بقره/ ۶۹؛ ۲. روم/ ۵۱؛ ۳. زمر/ ۲۱؛ ۴. حدید/ ۲۰؛ ۵. مرسلات/ ۳۳.

به طور کلی رنگ زرد در قرآن گاهی شادی‌آفرین و مایه سرور و حیات‌بخش و گاهی غم‌انگیز و گویای مرگ و نابودی است. شاید علت این تفاوت تأثیر در مراتب مختلف رنگ‌ها است؛ مثلاً رنگ زرد پررنگ و طلایی، زرد کم‌رنگ، زرد مایل به قهوه‌ای و غیره. که هرکدام تأثیری متفاوت از دیگری دارد. هنگامی که زرد به قهوه‌ای می‌گراید، مانند برگ‌های پاییزی، حالت مسرت بخشی خود را از دست می‌دهد. قرآن کریم با توجه به آثار روانی رنگ زرد در آیاتی، به این رنگ توجه می‌کند. خداوند درباره گاو بنی اسرائیل مستقیم به اثر شادی‌بخشی رنگ زرد اشاره می‌فرماید.

﴿قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا لَوْثُهَا قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ صَفْرَاءُ فَاقِعٌ لَوْثُهَا تَسْرُّ

النَّاطِرِينَ» (بقره/۶۹)؛ «گفتند: «برای ما از پروردگارت بخواه تا روشن بیان کند برایمان که رنگ آن (گاو) چگونه است؟» (موسی) گفت که او می‌گوید: «در حقیقت آن گاو زرد است که رنگش یک دست است که بینندگان را شاد می‌سازد».

از ابن عباس نیز نقل شده که مراد شدیدة الصفرة (زرد پررنگ) است (طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن). علامه طباطبایی در معنای آیه می‌فرماید: «صفراء فاقع شدیدة الصفرة فی صفاء لونها» (طباطبایی، همان، ج ۱، ص ۲۰۲)؛ یعنی زرد پررنگ و خالص. باید توجه داشت که رنگ زرد در آیه همراه واژه «فاقع» آمده که به معنای شدت رنگ است و بیشتر درباره زرد و قرمز به کار می‌رود؛ بنابراین واژه «فاقع» نشان از پررنگ بودن زرد دارد، مانند رنگ طلایی که همان زرد پررنگ است. رنگ طلایی از طیف زرد جذاب و مسرت بخش و نماد آخرت و ایمان است. از این آیه یک قانون کلی درباره رنگ‌ها به دست می‌آید؛ این که رنگ‌ها در روحیه افراد تأثیرهای مثبت و منفی دارند؛ مثلاً زرد موجب شادی و سرور، و سیاه باعث غم و اندوه است. شاید بتوان گفت این آیه به تأثیر روان شناختی رنگ‌ها اشاره کرده است (رضایی اصفهانی، همان، ج ۱، ص ۳۰۰، استاد رضایی مطلب را با شاید بیان کرده، چون احتمال داده (تسرالناظرین) به بقره برگردد؛ نه به رنگ آن. در حالی که فرموده است «لونها تسر الناظرین» و این صراحت دارد در این که مسرت بخش بودن، اثر رنگ زرد گاو است؛ نه خاصیت خود گاو؛ به ویژه که نفرمود «تسر الناس»؛ بلکه «ناظرین» گفت و آن چه برای بینندگان در آغاز جلب توجه می‌کند، رنگ اشیاء است). بنابراین قرآن کریم چهارده قرن قبل در این آیه، به اثر شادی آفرین رنگ زرد اشاره و یک قانون کلی درباره تأثیر رنگ‌ها بیان نمود و جلوه‌ای از ابعاد اعجاز علمی قرآن را به نمایش گذاشت و این نکته‌ای است که دانشمندان در قرون اخیر بدان اشاره کرده‌اند؛ در حالی که در قرون متمادی تاریخ اسلام، مورد توجه جمهور مفسران بود (آلوسی، همان، به نقل از: محمودی، رنگ در قرآن، ص ۷۳).

بعد از قرآن دانشمندان علم روان‌شناسی به خوبی به این ویژگی رنگ زرد و رنگ‌های دیگر پی‌بردند. در روایات نیز به آثار شادی بخش رنگ زرد اشاره شده است. از جمله امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس کفش زرد بپوشد تا زمانی که در پایش باشد در خوشحالی به سر می‌برد». (حویزی، تفسیر نورالثقلین، ج ۱، ص

۹۰). امام علی علیه السلام هم فرمود: «هر کس کفش زرد بپوشد، کدورت و غم و غصه‌اش کاهش می‌یابد». امام صادق علیه السلام در جای دیگری فرمود: «از کفش زرد استفاده کنید، زیرا سه ویژگی دارد: چشم را نورانی، قوه جنسی را تقویت و غم و غصه را برطرف می‌کند». امام علیه السلام در این روایت به خاصیت محرک بودن رنگ زرد اشاره کرده است.

بررسی

آیه به صراحت بر شادی بخش بودن رنگ زرد پررنگ دلالت دارد و ظاهراً این راز قبل از قرآن بیان نشده بود آیه در این صورت می‌تواند نوعی اعجاز علمی در بحث رنگ‌ها باشد. یکی دیگر از کاربردهای قرآنی رنگ زرد، درباره آتش جهنم است. قرآن آتش جهنم را به شتران زرد مو تشبیه کرده است: ﴿إِنَّهَا تَرْمِي بِشَرَرٍ كَالْقَصْرِ، كَأَنَّهُ جِمَالَةٌ صُفْرٌ﴾ (مرسلات/ ۳۲ و ۳۳)؛ «که آن (آتش) شراره‌هایی هم‌چون قصری (عظیم) می‌افکند؛ چنان‌که گویی (خصوصیات) آن (هم‌چون) شتران زرد است».

«جمالة» جمع جَمَل به معنای شتر و «صُفْر» جمع أَصْفَر به معنای رنگ زرد می‌باشد و گاه به رنگ‌های تیره و متمایل به سیاه هم گفته می‌شود؛ ولی در این جا همان معنای اوّل مناسب‌تر است؛ زیرا جرقه‌های آتش، زرد متمایل به سرخ است (مکارم شیرازی، همان، ج ۲۵، ص ۴۱۹).

شاید وجه شبه در تشبیه شراره‌های آتش به شتران زرد مو، حرارت و گرمی همراه با درخشش نور خیره کننده زرد باشد. این تشبیه در واقع حکایت از گرما و درخشندگی شراره‌های آتش نیز دارد؛ همانند شتران زرد مویی که عرب آن روز در زندگی با آن‌ها محشور بود و از پشم آن‌ها برای لباس استفاده می‌کرد. قرآن کریم به رنگ زرد در خصوص پژمردگی و زردی گیاهان در پاییز نیز اشاره می‌کند: ﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَلَكَهُ يَنَابِيعَ فِي الْأَرْضِ ثُمَّ يُخْرِجُ بِهِ زَرْعاً مُخْتَلِفاً أَلْوَانُهُ ثُمَّ يَهيجُ فَتَرَاهُ مُصْفراً ثُمَّ يَجْعَلُهُ حُطَاماً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرَ لِبِأُولِي الْأَلْبَابِ﴾ (زمر/ ۲۱)؛ «آیا نظر نکرده‌ای که خدا از آسمان آبی فروفرستاد و آن را به چشمه‌هایی که در زمین است وارد نمود، سپس به وسیله‌ی آن زراعتی را با

رنگ‌های متفاوتش بیرون می‌آورد؛ سپس خشک می‌گردد، پس آن را زرد می‌بینی؛ سپس آن را درهم شکسته می‌گرداند؟! قطعاً، در این (مطلب) تذکری برای خردمندان است». خداوند در این آیه رنگ زرد را برای حالت پژمردگی و مرگ به کار برده است که با کاربرد آن در آیه ۶۹ سوره بقره که رنگ زرد را مسرت‌بخش در تعارض است، به ظاهر نمی‌سازد، گویا این اختلاف تعبیر به خاطر گوناگونی رنگ‌های زرد است. زرد گاهی سیر و پیررنگ و گاهی بی‌حال و کم‌رنگ است. زمانی طلایی رنگ و برخی مواقع هم مایل به قهوه‌ای است که هرکدام آثار مخصوص خود را دارند؛ چنان‌که دانشمندان روان‌شناسی نیز به آثار مختلف هر یک اشاره کرده‌اند.

بررسی

در آیات (مرسلات / ۳۲؛ زمر / ۲۱) به یکی دیگر از آثار رنگ زرد؛ یعنی گرمی و حرارت بخشی و درخشش و نیز نماد پژمردگی و نابودی اشاره شده است و این که رنگ زرد با توجه به آثار متضاد آن، باید درجه‌های مختلفی داشته باشد. با تدبر بیشتر در این آیات می‌توان به نکات مهمی دست یافت.

۲- رنگ سبز

رنگ سبز زیباترین رنگی است که ده بار در قرآن مطرح شده و در چند آیه به بساط بهشتیان و لباس‌های ابریشمی و حریرهای سبز رنگ آنان اشاره شده است. همچنین رنگ گیاهان سبز هم چند بار در قرآن تکرار شده است. سبز، انتقال دهنده شادی، انبساط خاطر و بهجت است. نماد رویش، حیات و زندگی است. رنگ سبز در نظر روان‌شناسان آرامش‌بخش‌ترین رنگ‌ها و نشانه حیات، رویش و جاودانگی است (نساجی زواره، اسماعیل، رنگ سبز، رنگ تعلق، آرامش، درس‌هایی از مکتب اسلام، س ۴۸، ش ۸، ص ۲). سبزرنگ صبر، شکیبایی، بردباری و پایداری است. تقویت‌کننده و محرک چشم آرامش‌بخش و استراحت دهنده است. امام کاظم علیه السلام فرمود: سه چیز نور چشم را زیاد می‌کند [و در روایتی دیگر سه چیز غم و اندوه را از دل بیرون می‌کند] نگاه به سبزه، نگاه به آب روان و نگاه به صورت زیبا (مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۴، ص ۴۵، ح ۱۰).

رنگ سبز از آمیختن دو رنگ زرد و آبی به دست می‌آید و رنگ وسط و متعادل است؛ نه مانند زرد اثر محرک و هیجان‌آور دارد، نه مثل آبی مسکن و غیرفعال و سرد است. این رنگ گویای ثبات عقیده و خودشناسی است (لوثر، روان‌شناسی رنگ‌ها، ص ۸۳).

سبز نماد ایمان و کمال و رنگ بهشتی است و چون در رنگ سبز ایمان و اطمینان مشهود است، نزد مسلمانان رنگ مقدس شمرده می‌شود و مردم میان این رنگ و پیامبراکرم و اهل بیت طاهرین و اولادشان ارتباط برقرار می‌کنند (ابوطالبی، مفاهیم نمادین رنگ‌ها، ص ۱۲۵).

قرآن مجید عنایت ویژه‌ای به این رنگ دارد و در هفت مورد به سبزی گیاهان و رویدنی‌های سطح زمین اشاره کرده و این مسأله را نشانه‌ای برای اهل ایمان دانسته است، از جمله:

﴿الَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَتُصْبِحُ الْأَرْضُ مُخْضَرَّةً إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ﴾ (حج/ ۶۳)؛ «آیا نظر نکرده‌ای که خدا از آسمان آبی فرو فرستاد، پس زمین سرسبز گردید؟ که خدا لطیف [و] آگاه است». قسمت اعظمی از کره زمین را پوشش گیاهان سبز پوشانده‌اند، از قبیل جنگل‌ها، مراتع و باغ‌ها. این رنگ اثر شگفتی در آرامش روان انسان و حیوانات دارد و در لسان روایات، نگاه کردن به سبزه‌زارها اندوه را بر طرف می‌کند. خداوند طبیعت و گیاهان سرسبز را مظهر مسرت و شادی معرفی می‌کند. ﴿فَأَنْبَتْنَا بِهِ حَدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ﴾ (نمل/ ۶۰)؛ «و به وسیله آن، باغ‌هایی زیبا و سرورانگیز رویاندیم».

راغب اصفهانی در تعریف بهجت آورده است: «البهجة حسن الون وظهور السرور فيه»، بهجت زیبایی رنگ و آشکار شدن سرور و شادی در آن است.

با توجه به این که باغ‌ها سرسبزند و قرآن باغ‌های سرسبز را شادی‌بخش می‌داند، آیه می‌تواند به اثر شادی آفرین و اندوه‌زدای رنگ سبز اشاره داشته باشد و گویای اعجاز علمی رنگ سبز در قرآن باشد. دکتر پاک نژاد نیز با اشاره به آیه مذکور، آن را مظهر اعجاز قرآن می‌داند (پاک‌نژاد، همان، ج ۵، ۱۵۷).

رنگ سبز در فرهنگ قرآن، رنگ بهشت و بهشتیان است. قرآن سبزی لباس‌ها و فرش‌های بهشتی و روکش پشتی‌های آن را به زیبایی به تصویر

می‌کشد. بهشت محل جاوید و خانه قرار و آرامش است، پس این آرامش از هر لحاظ برای آنان فراهم می‌باشد؛ حتی در نوع رنگ‌های به کار رفته در بهشت. به همین دلیل رنگ بهشت، لباس و تخت بهشتیان سبز است.

قرآن کریم در یک مورد، رنگ خود بهشت (مدهامتان در سوره الرحمن به معنای دو بهشتی است که در نهایت سرسبزی‌اند) و در دو مورد، رنگ لباس بهشتیان و در یک مورد، تکیه‌گاه آنان را سبز معرفی می‌کند.

﴿وَيَلْبَسُونَ ثِيَابًا خُضْرًا مِنْ سُنْدُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ...﴾؛ (کهف / ۳۱)؛ «و لباس‌هایی سبز، از حریر نازک و ضخیم، می‌پوشند».

﴿مُتَّكِنِينَ عَلَى رُفْرَفٍ خُضْرٍ وَعَبَقَرٍ حَسَانٍ﴾ (رحمان / ۷۶)؛ «در حالی که (بهشتیان) بر بالش‌های سبز و (فرش‌های) کم‌یاب زیبا تکیه زده‌اند».

﴿عَالِيَهُمْ ثِيَابٌ سُنْدُسٍ خُضْرٌ﴾ (انسان / ۲۱)؛ «بر فرازشان لباس‌های سبز حریر نازک و حریر ضخیم است».

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز با توجه به این آیات کریمه گاهی لباس سبز می‌پوشید. در روایت هست که ایشان از لباس سبز خوشش می‌آمد و قبای دیبای سبز رنگی داشت. غزالی در احیاء العلوم می‌گوید:

«پیامبر از لباس سبز خوشش می‌آمد و قبایی از سندس داشت که هرگاه آن را می‌پوشید، رنگ سبز آن با سفیدی صورت ایشان زیبا بود» (طباطبایی، سنن‌النبی، ص ۱۷۴).

رنگ سبز نماد حیات و جاودانگی ایمان و کمال است و این در بهشت به خوبی جلوه‌گر شده است. خدا در سوره مبارکه الرحمن، در آیه ۶۴ می‌فرماید: ﴿مُدْهَامَّتَانِ﴾. ادھیام به معنای شدت رنگ سبز است، تا حدی که مایل به سیاهی است (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۹، ص ۱۲۵) و این از اوصاف دو بهشتی است که در سوره الرحمن بیان شده است. مکمل رنگ سبز، قرمز است (پائولین، رنگ‌ها و تأثیرات درمانیشان، ص ۱۰۵). خداوند در سوره یس، قرمزی آتش و سبزی درخت را کنار هم ذکر می‌کند.

﴿الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ مِنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا فَإِذَا أَنْتُمْ مِنْهُ تُوقَدُونَ﴾ (یس / ۸۰)؛ «همان کسی که برای شما از درخت سبز، آتشی قرار داد و شما در هنگام (نیاز) از آن

(آتش) می‌افروزید». رنگ سبز از وفور نعمت و فراوانی سخن می‌گوید؛ همان گونه که حضرت یوسف هفت خوشهٔ سبز را به هفت سال فراوانی نعمت تعبیر کرد. بهجت بخش بودن باغ‌های سرسبز که در آیه ۶۰ سوره نمل آمد «حَدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ» به این اثر رنگ سبز اشاره دارد که می‌تواند از اشاره‌های علمی قرآن یا شاید معجزات علمی قرآن باشد. دکتر پاک‌نژاد بعد از نام بردن برخی از خواص رنگ سبز، مانند آرام‌بخشی، ایجاد حس توازن در همه جنبه‌های شخصیت انسان، بشاش‌کنندهٔ سامانهٔ عصبی، خنک‌کنندهٔ خون و درمانگر فشار خون بالا، می‌گوید تمام این آثار در آیه «حَدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ» آمده است و در حدیث امام کاظم علیه السلام نیز که می‌فرماید سه چیز حزن و اندوه را از قلب می‌زداید، از سرسبزی، یاد شده است (پاک‌نژاد، همان، ج ۵، ص ۱۵۷).

بررسی

در مجموع از اشارات قرآن کریم و تحقیقات دانشمندان روشن می‌شود که رنگ سبز از رنگ‌های شادی‌آور و از نشانه‌های پرورگار عالمیان است و به توحید ربوبی دلالت دارد؛ چون همان کسی که انسان را خلق کرد، این طبیعت سرسبز و زیبا و مسرت بخش را برای او آفرید و نهایت و پیوستگی و ارتباط و نظم در کل این مجموعه هست و بین تک تک اجزای این مجموعه هماهنگی وجود دارد که بر وجود خالق و مدبّر یگانه و حکیم دلالت می‌کند.

۳- رنگ قرمز

رنگ قرمز انرژی دهنده و محرک بسیار قوی است. به گفته بوعلی سینا فشار خون را بالا می‌برد، جزء رنگ‌های گرم است (پائولین، همان، ص ۱۵ و ۱۰۵)، به هضم غذا کمک می‌کند و سفره قرمز اشتها را زیاد می‌کند (پاک‌نژاد، همان، ج ۵، ص ۱۳۸). ذائقه انسان تحت شعاع بینایی است، به همین جهت قرآن کریم دستور می‌دهد که انسان به غذای خویش نگاه کند «فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ». نوزاد از ابتدا این رنگ را می‌شناسد، نور قرمز در معالجه آبله موثر است. این رنگ تسکین دهنده است. اشتها را مرتب می‌کند و فشار خون را بالا می‌برد

(همان، ص ۱۵۵). قرمز به حدی تحریک کننده است که نگاه به آن سردرد می‌آورد و رشد گیاه در نور قرمز به حداکثر می‌رسد (همو، ج ۳، ص ۲۴۳).

رنگ قرمز به خاطر خاصیت گرمازا و محرک خود، شهوت جنسی را تحریک می‌کند؛ به عنوان مثال در روایتی نقل شده است که امام باقر علیه السلام در خانه لباس سرخ پوشیده بودند. شخصی به ایشان عرض کرد جوانان شوخ این نوع لباس را می‌پوشند. حضرت فرمود: زینت‌های خداوند را چه کسی حرام کرده است. آن‌گاه اشاره کردند که من تازه داماد شده‌ام (مجلسی، محمدباقر، حلیه المتقین، ص ۳۰). در روایت دیگر نقل شده است که پوشیدن لباس قرمز مکروه است؛ مگر برای کسی که تازه ازدواج کرده است (همو) که این خود بر محرک بودن این رنگ دلالت دارد. رنگ قرمز در قرآن کریم با واژه «حمر» تنها یک بار (فاطر / ۲۷) و با واژه «ورده» نیز یک بار (رحمن / ۳۷) آمده است.

﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ ثَمَرَاتٍ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهَا وَمِنَ الْجِبَالِ جُدَدٌ بَيضٌ وَحُمْرٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهَا وَغَرَابِيبُ سُودٌ﴾ (فاطر / ۲۷)؛ «آیا نظر نکرده‌ای که خدا از آسمان، آبی فرو فرستاد، به وسیله‌ی آن محصولاتِی که رنگ‌هایش متفاوت است (از زمین) خارج ساختیم و از کوه‌ها راه‌ها (و رگه‌ها) ی سپید و سرخ، که رنگ‌هایش متفاوت است و سیاه سیاه (آفریدیم)؟!».

خداوند در این آیه به اختلاف رنگ راه‌ها و خطوط ایجاد شده و رگه‌های کوه‌ها اشاره می‌کند که گاهی به رنگ قرمزند و این که خدا از میان همه رنگ‌ها، رنگ قرمز را بین سفید و سیاه ذکر کرد، شاید به خاطر غلبه آن میان کوه‌ها باشد و شاید دلایل دیگری داشته باشد که کشف نشده است. به هر حال با اندک تأمل در این آیه، به جایگاه رنگ قرمز در زمین‌شناسی پی می‌بریم؛ زیرا کوه‌های سرخ رنگ منبع عظیم آتشفشانی و پیوسته در تلاطم است و نماد اصلی این کوه‌ها، گرم و فعال بودن آن‌هاست و در اثر تغییرهای شیمیایی شروع به فوران می‌کنند (بلوردی، رنگ‌ها و پیام‌ها در قرآن، مشکات، ص ۱۴).

گفتیم که دکتر پاک‌نژاد و دکتر فتحی عبدالعزیز در این آیه، ادعای اعجاز در رنگ قرمز کرده‌اند، اما چون بر خلاف نظر مفسران است، نمی‌توان آن را به طور قطعی تأیید کرد. علت رنگ قرمز برخی سنگ‌ها اکسید شده است و برخی از

سنگ‌ها هم مثل سنگ گرانیت، از ابتدا سرخ رنگ‌اند. از دیگر آیاتی که تابلوی زیبای رنگینی در آن خلق شده، آیه ۳۷ سوره مبارکه الرحمن است. «فَإِذَا انشَقَّتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهَانِ»؛ «پس هنگامی که آسمان شکافته شود و همچون روغن مذاب گلگون گردد». «طبرسی» در توضیح «ورده» می‌گوید.

کلمه ورده در این آیه به معنای «گل سرخ» تداعی کننده سرخی آسمان هنگام قیامت است که وجه تشبیه همان گرم بودن و فعال بودن زیاد است. آسمان روز قیامت به گل سرخ تشبیه شده است. (طبرسی، مجمع‌البیان، ذیل آیه).

وی در توضیح «الدهان» می‌نویسد:

آسمان روز قیامت مانند روغن‌های رنگارنگی است که پاره‌ای از آن‌ها بر پاره‌ای دیگر ریخته می‌شود (آسمان همانند روغن مذاب گلگون گردد) (طبرسی، مجمع‌البیان، ذیل آیه). (همان).

قرمز شدن آسمان و شکافته شدن آن در آستانه قیامت حکایت از اوج گرما، هیجان و ترسی دارد که انسان‌ها را فرا می‌گیرد؛ بنابراین در قرآن، قرمز برای رنگ‌آمیزی روز قیامت نیز ذکر شده و حکایت از قرمز شدن آسمان در آستانه قیامت دارد و خود این رنگ بر ترس و هراس روز قیامت می‌افزاید.

پورسی

همین تشبیه روز قیامت به رنگ قرمز گل و روغن سرخ شده می‌تواند گویای این باشد که این رنگ جزء رنگ‌های محرک و غم‌انگیز است و مانند سایر رنگ‌های تیره حالت هیجان‌انگیزی دارد و این تشبیه اشاره‌ای به برخی آثار روانی این رنگ است.

۴- رنگ آبی

این رنگ به صورت مستقیم یک بار در قرآن (طه/ ۱۰۲)، به معنای حزن و اندوه، به کار رفته است.

«يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ وَتَحْشُرُ الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ زُرْقًا»؛ «همان روزی که در شیپور دمیده می‌شود؛ و خلافکاران را در آن روز، در حالی که (چشمانشان کور و) کبود است گرد می‌آوریم!»

رنگ آبی در این آیه دلالت بر ترس و وحشت نمی‌کند؛ جز آن که با رنگ سیاه ترکیب شود و مجرمان با بدن‌های کبود در آن روز جمع می‌شوند (گزارش خواندنی از اعجاز رنگ‌ها، نشریه اعتدال). «زُرْقاً» آبی پر رنگ است و خود این واژه بر شدت آبی دلالت دارد؛ بر عکس آبی باز و کم رنگ که همان رنگ آسمان و دریاهاست که بسیار آرام بخش است (فتوحی عبدالعزیز، الوان فی القرآن، ص ۱۴). رنگ آبی آسمان اثر تسکینی شگرفی بر انسان می‌گذارد، لذا خداوند رنگ آسمان و اقیانوس‌ها و دریاها (که تصویر آبی آسمان را در خود نشان می‌دهند) را به رنگ آبی مزین ساخت. به این ترتیب خداوند حکیم زندگی انسان را بر اساس فطرت و نیاز روحی او رنگ‌آمیزی کرد و این دلالت بر ربوبیت خدای واحد دارد. انسان وقتی به آسمان می‌نگرد، رنگ آبی را می‌بیند که آرام‌بخش است و چون به زمین می‌نگرد، رنگ سبز را می‌بیند که حالت مسرت‌بخش و متعادلی به روان او می‌بخشد. آبی به دلیل همین خواص، بهترین رنگ برای کاشی کاری مساجد و زیارت‌گاه‌ها می‌باشد. آسمان در شب به رنگ آبی تیره و کبود در می‌آید و چه زیباست که قرآن شب را مایه استراحت قرار داده است.

امام صادق علیه السلام در کتاب توحید مفضل با اشاره به رنگ کبود آسمان در شب می‌فرماید: «پس تفکر کن که چگونه رنگ آسمان را کبود مایل، به سیاه قرار داد که نگاه کردن مکرر به آسمان، به دیده ضرر نرساند...» (محمودی، رنگ در قرآن، ص ۷۸)؛ بنابراین جو زمین آبی‌های مختلف - از آبی روز تا آبی سیاه شب - دارد. علامه طباطبایی درباره مفهوم واژه زُرْقاً در آیه می‌نویسد:

«زرق جمع أزرق (آبی) می‌باشد که رنگی خاص است» (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص ۲۲۶).

ایشان از بین همه تفاسیر، این تفسیر که مراد از زُرْقاً، عمی و ناپیداشدن مجرمان در قیامت است را می‌پذیرد؛ چرا که شخص نابینا همه‌جا را آبی و کبود می‌بیند. و تفسیر دیگری که ایشان نمی‌پسندد آبی شدن چشم مجرمان است؛ چرا که در بین عرب این رنگ از مبعوض‌ترین و زشت‌ترین رنگ‌هاست (پائولین، همان، ص ۱۵).

برخی آثار رنگ آبی: از بوعلی سینا نقل شده است که آبی فشار خون را پایین می‌آورد (همو). آبی درد شکن، استراحت بخش، تسکین دهنده و مناسب برای درمان بی‌خوابی است (پاک‌نژاد، همان، ج ۵، ص ۱۵۷). رنگ آبی برای اتاق خواب پیشنهاد می‌شود؛ چرا که این رنگ آرام‌بخش و خواب‌آور است (پائولین، همان، ص ۹۵). آبی رنگ آرامش، الهام و آسودگی است. در آسم، فشار روحی، بی‌خوابی و فشار خون بالا رهایی‌بخش است. آبی تند و شفاف، نشانه احساس‌های مذهبی، آبی کم‌رنگ نشانه ایمان به اعتقادی اصیل و آبی روشن نشانه وفاداری و صمیمیت است (همو، ص ۵۹).

بررسی

قرآن هیچ‌گاه برخلاف حکم قطعی علم سخن نمی‌گوید و اگر از نظر علمی رنگ آبی آرام‌بخش است، مراد رنگ آبی روشن است که قرآن به صراحت درباره آن اظهار نظری نکرده است و اگر قرآن کریم چهره مجرمان را با آبی رنگ‌آمیزی می‌کند، مرادش آبی تیره و مایل به سیاهی است؛ نه آبی روشن. از این آیه می‌توان استفاده کرد که رنگ آبی تیره مانند سایر رنگ‌های تیره غم‌انگیز و شوم است.

۵- رنگ سفید و سیاه در قرآن

بعضی از هنرمندان و علمای رنگ‌شناس سفید و سیاه را جزء رنگ‌ها نمی‌دانند؛ چون سفید رنگ اصلی نور خوشید است و وقتی تمام نور تابیده شده به اشیاء به چشم ما بازتاب کند، آن اشیاء سفید و اگر تمام نور را جذب کند، سیاه دیده می‌شود، زیرا هیچ اشعه‌ای از آن به سلول‌های بینایی چشم برخورد نمی‌کند. رنگ سفید رنگ طهارت، پاکی، خلوص، صفا، خیر، عدالت و حقیقت است و با رنگ سیاه در تعارض است. این رنگ ویژگی‌ها و صفات مثبت و پسندیده و حالات مطلوب را متصور می‌شود. این رنگ به صورت صریح در قرآن یازده مرتبه استفاده شده است. با واژه‌های (ابیضت، تبيض، ابيض، بیضاء و بیض) چهار مرتبه به صورت تقابل با رنگ سیاه آمده است.

۱. بقره/ ۱۸۷ (خیط الأبیض - خیط الأسود)؛

۲. آل عمران/ ۱۰۶ و ۱۰۷ (تبیض وجوه - تسود وجوه) (اسودت و ابیضت)؛
 ۳. فاطر/ ۲۷ (جدد بیض - غرابیب سود) بیض جمع ابیض و سود جمع
 آسود می‌باشد. سفید نشانه شادی و پاکی است. رنگی همراه با امید، آرامش،
 مهربانی، دوستی، ایمان، خوش‌بینی، اطمینان و علاقه به زندگی است. هر چه در
 طبیعت به رنگ سفید جلوه کند، مانند سپیده‌دم، برف، شیر، ابر و برخی گل‌ها و
 جانوران، گویای پاکی، زیبایی و حیات‌بخشی‌اند. از لباس عروس گرفته تا لباس
 احرام و لباس آخرت همه سفیدند تا گویای خوش‌بختی، پاکی و صفا باشند.
 فطرت انسان به پاکی متمایل است و سفید بهترین نماد آن است. سفید نماد
 نظافت و پاکی است و زنان بهشت را هم از این جهت حور می‌گویند که پاک و
 دست نخورده‌اند و اصل واژه حور به معنای بیضاء و سفیدی است (ابن‌منظور،
 لسان‌العرب، ج ۴، ص ۲۶۵).

اسلام نیز که دینی منطبق بر فطرت و نظافت و پاکی است، بر پوشیدن لباس
 سفید بسیار تأکید ورزیده و بهترین رنگ در لباس را سفید معرفی کرده است.
 بیشتر لباس‌های رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم سفید بود و می‌فرمود: بر زندگانتان لباس سفید
 بپوشانید و مردگانتان را با آن کفن کنید. در نماز نیز پوشیدن لباس سفید مستحب
 است و سیاه کراهت دارد (مجلسی، محمد باقر، حلیة المتقین، ص ۱۷۴).

رنگ سیاه مقابل سفید است. بدبینی، خشونت، لجاجت، ظلمت، گناه،
 شیطان، مرگ، عزا، نادانی و بدبختی در رنگ سیاه کاملاً مشهود است (لوثر،
 روانشناسی رنگ‌ها، ص ۹۷، به نقل از: محمودی، پیشین) از ویژگی‌های دیگر
 رنگ سیاه، وقار هیبت و عظمت آن است که این وقار در خانه کعبه، چادر
 خانم‌ها و عبا بزرگان و علما به خوبی مشهود می‌باشد (همو).

لفظ «أبیض» تنها یک مرتبه در قرآن در آیه ۱۸۷ سوره بقره (خیط الأبیض)
 آمده است که شاید اشاره به اصل بودن نور سفید برای سایر رنگ‌ها باشد (فتحی،
 الوان فی القرآن، ص ۵۱۷) و رنگ سیاه هفت مرتبه در قرآن کریم به کار رفته
 است. یکی از کاربردهای سیاه و سفید در قرآن مربوط به سیاهی و سفیدی چهره
 انسان‌ها در قیامت است.

﴿يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌُ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌُ فَأَمَّا الَّذِينَ اسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ أَكْفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ وَأَمَّا الَّذِينَ أَبْيَضَتْ وُجُوهُهُمْ فَفِي رَحْمَةِ اللَّهِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾ (آل عمران/ ۱۰۶ و ۱۰۷)؛ «(در) روزی که چهره‌هایی سفید می‌شوند و چهره‌هایی سیاه می‌گردند؛ و اما کسانی که چهره‌هایشان سیاه شد، (به آنها گفته می‌شود): آیا بعد از ایمانتان کفر ورزیدید؟! پس به سبب کفر ورزیدن، عذاب را بچشید؛ و اما کسانی که چهره‌هایشان سفید شده، پس در رحمتِ خدایند؛ در حالی که آنان در آن (رحمت) ماندگارند».

سفید در این آیه نماد ایمان و سعادت و سیاه نشانه جهل و شقاوت و کفر است. قرآن برای بیان سعادت مؤمنان چهره‌ای سفید از آنان ارائه می‌دهد و بدبختی کافران را با رنگ سیاه نشان می‌دهد و این به خاطر خواص ویژه این دو رنگ است. سفیدی کنایه از خشنودی اهل ایمان و سیاهی کنایه از انفعال، خجالت و سرافکنندگی کافران است (طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۴۱۴).

همان‌گونه که علامه طباطبایی فرموده، سفیدی و سیاهی چهره، دو تعبیر کنایی است و رنگ اصلی نیست؛ بنابراین از نظر علمی جزء آیات اعجاز علمی شمرده نمی‌شود؛ هر چند که خداوند در تعبیر خود تأثیرهای روانی این رنگ‌ها را نیز لحاظ می‌کند و کاربرد این رنگ‌ها نیز با توجه به جنبه روان‌شناسی آنهاست. رنگ حوریان و نوشیدنی‌های بهستی نیز سفید است و همان‌گونه که گفته شد خود لفظ حور به معنای سفید است. ﴿يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِكَأْسٍ مِنْ مَّعِينٍ بَيْضَاءَ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ﴾ (صافات/ ۴۵ و ۴۶)؛ «جامی از (شراب) لبریز برگردشان چرخانده می‌شود (شرابی) سپید (و درخشان) که برای نوشندگان لذت‌بخش است». این نوشیدنی زلال لذت‌زایی برای آشامنده آن دارد. شیرۀ سفید کافور که گیاهی زیبا و معطر است و به رنگ سفید است، معنای خنکی را به ذهن می‌آورد که شاید با رنگ سفید بی‌ارتباط نباشد. ﴿إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا﴾ (دهر/ ۵)؛ «در حقیقت، نیکوکاران از جامی (از شراب) می‌نوشند که آن با (عطر خوش) کافور آمیخته است». ﴿وَحُورٌ عَيْنٌ كَأَمْثَالِ اللُّؤْلُؤِ الْمَكْنُونِ﴾؛ (واقعه/ ۲۲ و ۲۳)؛ «و حوریان فراخ‌چشم (و سپیدچشم)؛ هم‌چون داستان مروارید پنهان».

به زنان بهستی حور می‌گویند؛ چون پاک و دست نخورده‌اند (ابن‌منظور،

لسان‌العرب، ج ۴، ص ۲۶۵). آنان در این آیه به مرواریدهای درخشانی تشبیه شده‌اند که در صدف پنهان مانده‌اند و دست کسی به آن‌ها نمی‌رسد. رنگ سفید از رنگ‌های بهشتی است که نشانه روشنی، زیبایی، بهداشت و رنگی دلنواز است (قرائتی، تفسیر نور، ج ۱۰، ص ۳۰).

«حور» جمع حوراء است و به کسی گفته می‌شود که سیاهی چشم او بسیار سیاه و سفیدی آن بسیار سفید باشد و تضاد سیاهی و سفیدی در واژه حور مستقر است (آیت‌اللهی، همان، ص ۳). رنگ‌ها در طبیعت به دو گروه تقسیم می‌شوند: رنگ‌های حزن آور و شادی آفرین؛ رنگ‌های تیره معمولاً حزن‌آور و رنگ‌های روشن مانند سفید، سبز و زرد شادی بخش‌اند و بر همین اساس پروردگار حکیم بهشت را که محل آرامش و شادی است، بیشتر با رنگ‌های سبز و سفید رنگ‌آمیزی کرده است. در پنج آیه از قرآن مجید، به سفید و درخشان شدن دست حضرت موسی علیه السلام به عنوان معجزه‌ای الهی اشاره شده است (اعراف/۱۰۸؛ طه/۲۲؛ شعراء/۳۳؛ نمل/۱۲؛ قصص/۳۲).

﴿وَاضْمُمْ يَدَكَ إِلَىٰ جَنَاحِكَ تَخْرُجَ بَيْضًا مِّنْ غَيْرِ سُوءٍ آيَةً أُخْرَىٰ﴾ (طه/۲۲)؛ «و دستت را به پهلویت بگذار، تا سفیدگونه، بدون (عیب) بدی، بیرون آید، در حالی که نشانه‌ی (معجزه‌آسای) دیگری است».

در سه مورد تعبیر (بیضاء من غیر سوء) و در دو مورد دیگر تعبیر (بیضاء لِنَاصِرِينَ) به کار رفته است. در برخی از روایات آمده است که دست حضرت موسی چون خورشید می‌درخشید؛ اما این آیات تنها از سفیدی دست موسی سخن می‌گویند که به گونه‌ای خارق‌العاده‌ای بوده است (طباطبایی، المیزان فی تفسیرالقرآن، ج ۸، ذیل: اعراف/۱۰۸؛ مکارم شیرازی، تفسیرنمونه، ج ۶، ص ۲۸۵).

تعبیر خداوند از رنگ‌ها و جایگاه به کار بردن هر رنگی دقیقاً با توجه به خواص و آثار آن رنگ‌ها و هر یک در جای خود می‌باشد. قرآن، رنگ سیاه را برای چهره غضبناک انسان‌هایی می‌آورد که بر خلاف میل دختردار شده‌اند و می‌فرماید: ﴿وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِالْأُنثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ﴾ (نحل/۵۸)؛ «و هرگاه به یکی از آنان (مشرکان) مژده‌ی (تولد) دختر داده شود، در حالی که او خشم شدید (خود) را فرو می‌برد، چهره‌اش سیاه می‌گردد».

سیاهی نماد جهالت، نادانی و گمراهی است که در این آیه به خوبی مشاهده می‌گردد و این همان چیزی است که روانشناسان می‌گویند: سیاه نشانه ظلمت و خشونت و گناه است (لوثر، همان، ص ۹۷).

خداوند در آیه ۱۸۷ سوره مبارکه بقره رشته سفید را استعاره از سفیدی افق هنگام اذان صبح می‌آورد؛ گویی در افق خطی سفید، آمدن صبح را مژده می‌دهد و خط سیاه، شب را کنار می‌زند.

﴿وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ...﴾؛ «و بخورید و بیاشامید، تا رشته سپید بامداد، از رشته سیاه (شب) بر شما نمودار گردد؛ سپس روزه را تا شب به اتمام رسانید».

در این آیه قرآن اولین اشعه‌های ارسالی از خورشید را سفید معرفی می‌کند. در طبیعت رنگ‌های روشن مانند سفید و زرد، آثار محرک روانی دارند و موجب افزایش فعالیت انسان می‌شوند. قرآن رنگ سفید را درباره حضرت یعقوب هم به کار برده است؛ آن‌جا که می‌گوید: ای دریغا بر یوسف! در حالی که اندوه خود را فرو می‌برد چشمانش از اندوه سفید شد. ﴿وَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَا أَسْفَىٰ عَلَىٰ يُوسُفَٰ وَأَبْيَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَظِيمٌ﴾؛ (یوسف / ۸۴).

در این‌جا مراد از سفید شدن چشم، سفید شدن سیاهی چشم است که به معنای کوری و از میان رفتن حس بینایی است؛ به این معنا که یعقوب به کلی نابینا شد (طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۱، ص ۳۶۱). این تنها موردی است که از رنگ سفید به صورت امر منفی یاد شده است.

روانشناسان رنگ سیاه را بی‌رنگی مطلق می‌دانند که تمام رغبت‌ها را از بین می‌برد، از این رو در قرآن چهره دوزخیان با رنگ سیاه نشان داده شده است؛ به گونه‌ای که کسی به آن‌ها توجه ندارد. ﴿وَجُوهُهُمْ مُسْوَدَّةٌ﴾ (زمر/۶۰). قیامت عرصه بروز اسرار نهان و تجسم اعمال و افکار است، آن‌ها در این دنیا قلب‌های سیاه و تاریک داشتند و اعمالشان مانند افکارشان تاریک بود، در قیامت این حال درونی به بیرون منتقل می‌شود و چهره‌هایشان سیاه خواهد بود (مکارم شیرازی، همان، ج ۱۹، ص ۵۱۷).

جمع‌بندی

موضوع رنگ‌ها یکی از شگفتی‌های مطرح شده در قرآن می‌باشد. قرآن کریم علاوه بر کاربرد واژه‌های کلی مربوط به رنگ‌ها از قبیل (لون، الوان، و صبغه) از برخی رنگ‌ها (مانند زرد، سبز، آبی، قرمز، سفید و سیاه) نیز به طور ویژه نام برده و رنگ خدایی را بهترین رنگ معرفی کرده است چون در بسیاری از این آیات مطالبی درباره آثار رنگ‌ها آمده است، برخی بر آن شده‌اند پدیده رنگ‌ها را از مظاهر اعجاز علمی قرآن به شمار آورند؛ بر خلاف عده‌ای دیگر که آیات مربوط به رنگ‌ها را جزء رازگویی‌ها و شگفتی‌های علمی قرآن شمرده‌اند.

پس از بیان تفاوت این دو، با ذکر تمامی آیات مربوط به رنگ‌ها در قرآن و پس از بررسی گفتار دانشمندان در هر مورد، به این نتیجه می‌رسیم که در مواردی می‌توان ادعای اعجاز علمی در رنگ‌ها را پذیرفت، مانند آیه ۶۹ سوره نحل که به موضوع رنگ درمانی اشاره دارد و آیه ۶۹ سوره بقره که اثر شادی‌بخش رنگ زرد یک‌دست را بیان می‌کند؛ در حالی که در برخی موارد نکات مطرح شده تنها رازگویی علمی است؛ هرچند مؤلف معتقد است با اندیشیدن، تدبیر و تحقیق در نشانه‌های خدا در عالم هستی و آیات قرآن می‌توان در موارد دیگری نیز به اعجاز علمی اسرار شگفت انگیز قرآن پی‌برد.

پی‌نوشت

[۱] این‌که واژه لون (به صورت مفرد) محاسبه نشده، به خاطر این است که طیف سفید که مشتمل بر هفت رنگ است، با الوان مناسبت دارد و نیاز نیست مفرد آن در این قضیه محاسبه شود.

منابع

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، دارصادر، بیروت، ۲۰۰۵.
۲. ابوطالبی، الهه، مفاهیم نمادین رنگ‌ها، اداره پژوهش‌های اسلامی سیما، بی‌جا ۱۳۷۲.
۳. ابوعلی سینا، قانون فی الطب، ترجمه عبدالرحمن شرفکندی، سروش، تهران، ۱۳۶۷.
۴. أشرف فتحی عبدالعزیز، الألوان فی القرآن، موسوعة الاعجاز العلمي فی القرآن، www.55a.tet.
۵. اصغری نژاد، محمد، تأثیر رنگ‌ها بر رفتار انسان‌ها، سایت آفتاب.
۶. اعجاز رنگ‌ها در قرآن، وبلاگ نویسان مذهبی، از تبار گل یاس (اینترنت).
۷. آلوسی بغدادی، تفسیر روح المعانی، احیاء التراث العربی، بیروت ۱۴۰۵.
۸. آیت اللهی، حبیب الله و حکیمه گوهریان، رنگ در قرآن، فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه شاهد، س ششم، ش ۲۱.
۹. بلوردی، طیبه، رنگ‌ها و پیام‌ها در قرآن، نشر مشکات، بی‌جا، ش ۹۸.
۱۰. بن بوا، زیبایی نور، ترجمه پرویز قوامی، نشر سروش، بی‌جا، ۱۳۷۶، ج اول.
۱۱. بوهانس، اینتن، هنر رنگ، ترجمه عربعلی شروه، انتشارات سیاولی، بی‌جا، ۱۳۸۲.
۱۲. پائولین ویلز، رنگ‌ها و تأثیرات درمانیشان، ترجمه مینا اعظامی، نشر صورت‌گر، تهران، ۱۳۸۵.
۱۳. پاک‌نژاد، رضا، اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ج ۳ و ۵، بنیاد فرهنگی شهید دکتر پاک‌نژاد، یزد، ۱۳۶۳.
۱۴. حویزی، علی بن جمعه عروسی، تفسیر نورالثقلین، تصحیح سید هاشم رسولی محلاتی، المطبعة العلمية، قم، ۱۳۸۳.
۱۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق: صفوان عدنان داودی، بی‌نا، دمشق، بیروت، ۱۴۱۲ ق، ج اول.
۱۶. رضائی اصفهانی، محمد علی، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآنی، قم، ۱۳۸۶ هـ ش، ج دوم.
۱۷. رضایی اصفهانی، محمد علی و جمعی از پژوهشگران، تفسیر قرآن مهر، ج ۱، قم، پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن، ۱۳۸۷.
۱۸. سایت aftab، تأثیر رنگ‌ها بر رفتار انسان.
۱۹. سایت قرآن و طیف اعجاز رنگ‌ها، رامین (وبلاگ).

۲۰. صداقت کشفی، سید محمد جواد، نگاهی به مقوله رنگ در قرآن، سایت مرکز فرهنگ و معارف قرآن.
۲۱. طباطبایی، سیدمحمدحسین، تفسیرالمیزان، دارالکتب الاسلامیه، قم، ۱۳۷۲، ج پنجم، ۱۳۸۴، چ هشتم.
۲۲. طباطبایی، سید محمدحسین، سنن النبی (آداب زندگی پیامبر ﷺ)، انتشارات تهذیب، قم، ۱۳۸۵.
۲۳. طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر مجمع البیان، ج ۲، دارالمعرفة، بی‌جا، ۱۴۰۶ هـ.
۲۴. طوسی، محمد بن الحسن، التبیان فی التفسیرالقرآن، احیاء التراث العربی، بی‌تا، بیروت.
۲۵. قرائتی، محسن، تفسیر نور، در راه حق، قم، ۱۳۷۴.
۲۶. گزارش خواندنی از اعجاز رنگ‌ها (اینترنت، نشریه اعتدال).
۲۷. لوئر ماکس، روان‌شناسی رنگ‌ها، ویدا اُبی زاده (مترجم) نشر درسا، بی‌جا، ۱۳۸۳، چ ۱۹.
۲۸. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، مؤسسة الوفاء، بیروت، ۱۴۰۳ هـ، ج سوم.
۲۹. مجلسی، محمد باقر، حلیة المتقین، تصحیح مرتضی جنتیان، کانون پژوهش، اصفهان، ۱۳۷۸.
۳۰. محمودی، احمد، رنگ در قرآن، فصلنامه بینات، ش ۵۷، س پانزدهم.
۳۱. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران ۱۳۶۳، ج بیستم و بیست و یکم.
۳۲. نرمال، ل، اصول روانشناسی، ترجمه دکتر محمود ساعتچی، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۳.
۳۳. نساجی زواره، اسماعیل، رنگ سبز رنگ تعلق و آرامش، درس‌هایی از مکتب اسلام، ش ۸، س چهل و هشتم.
۳۴. نوری زاده، آنسوی آیه‌ها، (نگرش بر اعجازهای پزشکی قرآن) آیت عشق، قم، ۱۳۸۳.
۳۵. وین ویتن، روان‌شناسی عمومی، ترجمه یحیی سید مهدی، نشر روان، بی‌جا، ۱۳۸۳.